



امضای تفاهم‌نامه انتقال گاز از روسیه

تفاهم‌نامه انتقال گاز از روسیه به ایران امضا شد. همکاری ایران و روسیه در قالب تفاهم‌نامه انتقال گاز روسیه به ایران، افزون بر افزایش چشمی سهم ایران در تجارت جهانی گاز، سبب تبدیل ایران به قطب گازی منطقه خواهد شد. به گزارش ایسنا، جواد اوجی وزیر نفت بیان کرد: ایران و روسیه بیش از ۱۰۰ درصد ذخایر گازی جهان را دارند و ذخایر قابل برداشت ایران بیش از ۳۴ تریلیون مترمکعب است که رتبه دوم جهان و روسیه با نزدیک به ۴۰ تریلیون رتبه نخست ذخایر گازی جهان را دارد. او با اشاره به اینکه نقش ایران در حوزه کشورهای صادرکننده و تولیدکننده گاز، بسیار مهم است، افزود: شهیدریسی از شهریور ۱۴۰۰ با سفرهایی که به روسیه داشتند و ملاقات‌هایی که با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در مسکو، عشق‌آباد و تهران برگزار شد، همیشه این بحث را مطرح می‌کردند که جمهوری اسلامی این ظرفیت را دارد که برای انتقال گاز روسیه به ایران، همکاری‌های مشترکی داشته باشد.



افزایش سقف اجاره‌ها ۲۵ درصد شد

شورای عالی مسکن با دو مصوبه متوسط‌رشد سقف اجاره‌ها را ۲۵ درصد و افزایش وام ساخت نهضت ملی مسکن را به ۸۰۰ میلیون تومان تصویب کرد. به گزارش مهر، مهرداد بذریش، وزیر راه و شهرسازی، گفت: متوسط سقف اجاره‌ها با رقم ۲۵ درصد در شورای عالی مسکن به تصویب رسید و براساس ماده ۷ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌ها دولت مکلف شده تا در استان‌هایی که تورم بالای ۳۰ درصد است، نرخ رشد اجاره‌ها را تعیین کند. بر همین اساس پیشنهاد شورای مسکن استان‌ها در خصوص این نرخ گردآوری شد که در این جلسه بررسی شد و به تصویب رسید. وزیر راه و شهرسازی بیان اینکه این ارقام ظرف روزهای آینده به استان‌ها ابلاغ می‌شود، افزود: امیدواریم با این تصمیم بازار اجاره به شکل بهتری کنترل شود.



ایران رتبه هفتم رشد تولید برق

براساس آخرین مطالعات صورت‌گرفته ایران در رتبه هفتم رشد تولید برق دنیا قرار گرفته است. به گزارش ایسنا، علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو گفت: مؤسسه انرژی‌های پاک از معتبرترین مؤسسات انرژی‌های پاک دنیا اخیراً گزارشی را در مورد رشد تولید برق در کشور مختلف منتشر کرده است. ایران طی ۳ سال گذشته، ۴۵/۷ تراوات ساعت به تولید برق خود اضافه کرده که هم محصول استفاده از نیروگاه‌های جدید و هم به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های نیروگاهی موجود و گذشته و هم رفع محدودیت‌های تولید، انتقال و شبکه است. او با بیان اینکه در مقایسه این عدد با کشورهای جهان، ایران در رتبه هفتم تولید قرار می‌گیرد، اظهار کرد: کشورهایی که بعد از ایران قرار گرفتند کل اتحادیه اروپا، هلند، کشورهای عربی، ترکیه، ژاپن و کره جنوبی هستند. کار بعد از جنگ تا امروز مقایسه شده که در دولت‌های مختلف سرانه رشد تولید براساس سال چقدر شده است.



عکس: Gettyimages

برآمدن از دهه‌ها

چگونه چین با عبور از سیاست دولت محوری به ۱/۶ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری سالانه رسید؟

دیدند؛ یعنی خانواده‌هایی روستایی که مجبور به اقامت در مراکز کمون (بازموزی) شده بودند و نیز کسانی از قحطی بزرگ جان بدر برده بودند.

در سال ۱۹۸۲، دنگ ترتیبات نهادهی جدید را به پایه‌ریزی کرد و آن را «سیستم مسئولیت تولید خانوار» نامید. جوهره سیستم مسئولیت خانوار این بود که همزمان که کشاورزان به دنبال کسب استقلال در زندگی روزمره و بهبود استاندارد زندگی خود بودند، این سیستم هم به‌صورت خودجوش پدید آمد. وقتی کشاورزان ثروتمندتر شدند شرکت‌های شهرستانی و روستایی (TVEs) به‌وجود آمدند. این شرکت‌ها هم خصوصی هم دولتی بودند اما عملاً پویاترین آنها شرکت‌های خصوصی بودند.

کیت شیانوژو در کتاب «چگونه کشاورزان چین را تغییر دادند: قدرت مردم» می‌نویسد: «کشاورزان به جای اقدام انقلابی از فساد کارمندان دولت بهره بردند. کشاورزان بدون اینکه کسی انقلابی را سازماندهی کند، رهبری بر عهده بگیرد یا ایدئولوژی جدیدی ابداع کند، در برنامه‌ریزی مزرعه خودمختاری به دست آوردند، تولیدات غیرکشاورزی روستایی را احیا کردند، بازارهای قدیمی را گسترش دادند، و بازارهای جدید به‌وجود آوردند و به شهرها مهاجرت کردند. این تلاش‌های خودجوش و غیرسیاسی و نه ایدئولوژی دولتی و سازمان کمونیستی، پایه‌های اولیه موفقیت فعلی چین در توسعه اقتصادی را تشکیل داد». در کنار آن ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) در مناطق ساحلی و رشد بخش غیردولتی، راه را برای تبدیل چین به یک بازیگر اصلی در تجارت جهانی هموار کرد. روحیه کارآفرینی مردم چین که در زمان مائو سرکوب شده بود، حالا زنده شده بود. در سال ۱۹۷۸، در آغاز جنبش اصلاحات، هیچ نوع شرکت شهرستانی و روستایی ثبت شده قانونی وجود نداشت، اما تا سال ۱۹۸۵ تعداد این شرکت‌ها به ۱۰ میلیون واحد رسیده بود.

دنگ در کتاب «مسائل اساسی در چین امروزی» می‌نویسد: «شرکت‌ها مانند نیروی جدیدی بودند که به‌طور خودجوش به‌وجود آمدند. اگر کمیته مرکزی در این زمینه سبهمی داشت، تنها با وضع سیاست‌های صحیح تقویت اقتصاد داخلی بود. اینکه این سیاست چنین نتیجه مطلوبی داشته است نشان می‌دهد که تصمیم خوبی گرفتیم. اما این نتیجه چیزی نبود که من با سایر رفاقی پیش بینی کرده بودیم. غیرمنتظره بود.» جیمز ای. دورن می‌نویسد: «تحت سیستم قیمت‌گذاری، قیمت‌های برنامه‌ریزی‌شده و بازار در کنار هم وجود داشتند. با این حال، زمانی که افراد «به‌دریای شرکت‌های خصوصی پریدند»، بخش غیردولتی رشد کرد و قیمت‌گذاری در بازار گسترش یافت. در اکتبر ۱۹۸۷، حزب کمونیست چین در سیزدهمین کنگره حزب قانون شرکت‌های خصوصی را تصویب کرد و سال بعد، قانون اساسی جمهوری خلق چین اصلاح شد تا وضعیت قانونی مشابه خصوصی مشخص شود. در سال ۱۹۷۸، شرکت‌های دولتی نزدیک به ۸۰ درصد از تولید ناخالص صنعتی را تشکیل می‌دادند، اما تا سال ۲۰۱۶، سهم این شرکت‌ها تنها به ۲۰ درصد کاهش یافت. نیکلاس لاردی، کارشناس مؤسسه پترسون، متخصص اقتصاد چین، معتقد است که «این تغییر نسبی در ۴۰ سال اصلاحات توسعه چین، بین ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸، به بازگشایی فضای اقتصادی در دسترس برای شرکت‌های خصوصی، عملکرد مالی برتر شرکت‌های خصوصی و افزایش دسترسی این شرکت‌ها به منابع مالی از بانک‌ها و بازارهای سهام داخلی مربوط است.» ژائو زیانگ، اصلاح‌طلب برجسته و دبیرکل حزب کمونیست چین، که بعد از ماجرای میدان تیان آن‌من در حصر خانگی به‌سر می‌برد، در خاطرات خود نوشته است که «اگر کشوری بخواهد مدرن شود، نه‌تنها باید اقتصاد بازار را اجرا کند، بلکه باید دموکراسی پارلمانی را نیز به‌عنوان نظام سیاسی خود بپذیرد. این امر به معنای آزادی احزاب سیاسی و مطبوعات است و چین برای ایجاد یک اقتصاد بازار عادی به یک حاکمیت واقعی قانون نیاز دارد.» هدف دنگ و رفاقیش ایجاد آن چیزی نبود که میلتون فریدمن «بازارهای خصوصی آزاد» می‌نامید. هدف حزب کمونیست چین

در آورده بود. دومین برنامه پنج‌ساله چین، که «جش بزرگ به جلو» (۱۹۵۸-۱۹۶۲) را داشت، برای تبدیل چین به یک قدرت صنعتی طراحی شده بود. اما این برنامه با ایجاد کمون‌های مردمی و انتقال اجباری منابع از کشاورزی به صنایع سنگین، کشاورزی را نابود کرد و به گرسنگی گسترده مردم منجر شد. در سال ۱۹۶۶، مائو «انقلاب فرهنگی» را آغاز کرد. دوره‌ای از پاکسازی‌های گسترده که تا زمان مرگ او در سال ۱۹۷۶ ادامه داشت. در طول انقلاب فرهنگی، گارد سرخ به‌طور تصادفی به هر کسی که ممکن بود نشانه‌هایی از تمایل به سرمایه‌داری را داشته باشند حمله می‌کرد. روشنفکران و همه کسانی که ممکن بود تهدیدی علیه انحصار حزب کمونیست چین باشند به روستاها فرستاده شدند. هرگونه انحراف از قوانین حزبی جرمی اعتقادی تلقی می‌شد که می‌توانست به زندان یا بدتر از آن منجر شود. جاسپر بکر در کتاب «چینی‌ها» می‌نویسد: «کودکان والدین را به پلیس عقیده تحویل دادند و به مردم دستور داده شد که به کوچک‌ترین نشانه‌ای از مالکیت خصوصی ضربه بزنند.»

▼ **دوران شیائو پینگ: اصلاحات بدون طرح اصلاحی**
مرگ مائو در سپتامبر ۱۹۷۶ راه را برای ظهور دنگ شیائوپینگ به‌عنوان رهبر اصلی چین در دسامبر ۱۹۷۸ هموار کرد. وقتی دنگ به قدرت رسید وضع اقتصادی چین اسفناک بود. ساختار اشتراکی کشاورزی و زراعی چین به‌هیچ‌عنوان باسخگوی نیاز روزمره جمعیت انبوه کشور نبود. گفته می‌شد نزدیک به یکصد میلیون دهقان چینی، معادل نیمی از جمعیت ایالات متحده در سال ۱۹۸۰، غذای کافی برای خوردن نداشتند. ۳۴ درصد نیروی کار چین فقط از تحصيلات ابتدایی برخوردار بودند و ۲۸ درصد به‌طور کلی بی‌سواد بودند. با آغاز رهبری دنگ شیائوپینگ بر حزب کمونیست چین، سیاست‌های درهای باز و حرکت به سمت کاپیتالیسم با عنوان رسمی سوسیالیسم خاص چین آغاز شد.

دنگ و متحدانش بازگشایی درها برای گذار به یک سیستم اقتصادی بازار محور را در دستور کار خود قرار دادند. حالا دیگر تمرکز اصلی حزب کمونیست چین توسعه اقتصادی بوده مبارزه طبقاتی. وقتی دنگ به قدرت رسید هیچ طرحی برای آزادسازی اقتصادی وجود نداشت. جیمز ای. دورن، از مؤسسه کاتو در مقاله‌ای در وبسایت این مؤسسه به نقل از سیریل ژین لین در کتاب «بازسازی نهادهای اقتصادی سوسیالیسم: چین و اروپای شرقی» نوشته است: «متمایزترین جنبه اصلاحات چین این بود که «گره باید بدون طرح اصلاحی دقیق پیش رفته‌اند. نتیجه‌ای که به‌دست آوردند فرآیندی بود از نوعی اصلاحات منحصر به فرد با پایان باز که در بین اقتصادهای با سابقه برنامه‌ریزی مرکزی منحصر به فرد است.»

دنگ شیائوپینگ رویکردی عمل‌گرایانه برای اصلاحات در پیش گرفت. اگر بازارهای بازمی‌توانست به بهبود زندگی مردم چین کمک کند، پس منطقی بود که حتی در یک دولت سوسیالیستی هم این گزینه را امتحان کنیم. طرز فکر دنگ این بود که «گره باید موش بگیرد. حالا چه فرقی می‌کند که سیاه باشد یا سفید.»

انگیزه بازسازی از جانب کسانی مطرح شده بود که بیشترین آسیب را از سیاست‌های فاجعه‌بار مائو



فاطمه لطفی

مترجم و روزنامه‌نگار

گذار چین از کشوری با برنامه‌ریزی مرکزی در دوران مائو به تونگ تا توسعه بازار تحت رهبری دنگ شیائوپینگ و سپس از آن شی‌جین‌پینگ فرایندی پیچیده بوده است. در این میان یک موضوع را نمی‌توان انکار کرد که چین بدون مجاز دانستن بازار در ایفای نقش تعیین‌کننده در تخصیص منابع و بدون ادغام خود در سیستم تجارت جهانی نمی‌توانست به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شود.

چین هیچ طرحی برای توسعه چشمگیر خود نداشت، اما دریافت که گذار از برنامه قبلی به سیستم متکی بر بازار به‌معنی وضعیتی برد‌بردار است. هر چند چین هنوز با ضعف‌های بسیاری در ساختار نهادی خود به‌ویژه انحصار قدرت حزب کمونیست، فقدان قوه قضائیه مستقل و فقدان حاکمیت واقعی قانون برای حفاظت از حقوق اساسی، دست‌وپنجه‌نرم می‌کند.

تحلیلگران بر این باورند که در حکومت شی‌جین‌پینگ چرخش به سمت داخل و پذیرش سیاست صنعتی برای حمایت از شرکت‌های دولتی خطرات جدی برای نظم، هماهنگی و خلق ثروت به همراه دارد. رشد سریع اقتصادی چین به دنبال تغییر موضع آن از توسعه دولتی (برنامه‌ریزی مرکزی) به بازارسازی در سال ۱۹۷۸ و تلاش آن برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی گواهی بر این ایده است که گسترش دامنه انتخاب‌های باز برای مردم از طریق تجارت داخلی و خارجی استراتژی‌ای بود که در چین برنده شد. در دوران مائو توسعه تونگ، حمایت‌گرایی و برنامه‌ریزی از بالا به پایین به جای بهبود زندگی مردم منجر به تمرکز بر توسعه صنایع سنگین شده بود. در سال ۱۹۷۰، تولید ناخالص داخلی واقعی چین (GDP) تنها ۲۳۲ میلیارد دلار بود (براساس دلار آمریکا در سال ۲۰۱۵). با این حال، هنگامی که توسعه گسترده بازار اتفاق افتاد و افراد فرصت‌های بیشتری برای ثروتمند شدن یافتند، تولید ناخالص داخلی واقعی تا سال ۲۰۱۹ به نزدیک ۱۶ تریلیون دلار رسید. واقعیت این است که بازار براساس رضایت کاری می‌کند، نه اجبار. در دوران مائو توسعه تونگ، آزادی بسیار کمی در بازار وجود داشت. دنگ آزادی بازار را چنین گسترش داد: فراهم‌سازی بستر ایجاد بازارهای قانونی و شرکت‌های غیردولتی در کنار برقراری امنیت حقوق مالکیت. چین امروز بسیار ثروتمندتر و آزادتر از دوره مائو است، اما نشانه‌هایی هم وجود دارد که همین چین تحت کنترل شی‌جین‌پینگ در حال بازگشت به برخی سیستم‌های قدیمی است. در زمان مائو توسعه تونگ، مالکیت خصوصی غیرقانونی بود، با کارآفرینان خصوصی و مالکان به‌عنوان جنایتکار رفتار می‌شد و برنامه‌ریزی مرکزی به سبک شوروی بر زندگی اقتصادی حاکم بود. به عبارت دیگر، دولت بازار را در انحصار خود

